

مثل یک نقاش

«دوخت لباس عروس ذهنیت می‌خواهد و باید تصورات خوبی داشته باشی و زیاد مدل دیده باشی. به ویژه الان که تنوع مدل‌ها زیاد است. در روش مولاژ که لباس روی مانکن تنظیم و طراحی می‌شود باید مثل یک نقاش ذهن و دستت هردو، هم‌زمان درگیر با کار باشد. ذهنی باز و خلاق می‌خواهد که در حین دوخت و دووز همین کارها کلی خاطره برای آدم خلق می‌کند. من که باتک تک لباس عروس‌هایم کلی خاطره دارم. از اول تا آخرش باید کلی خلاقیت به خرج دهی تا لباسی خاص برای یک شب خاص برای یک نفر بدوزی. به نظرم دیگر لباس‌ها یک جور روال هستند ولی لباس عروس خیلی خاص و یک بار است که باید کلی خلاقیت به خرج دهی تا خاص شود. الان چون تنوع مدل‌ها زیاد است، خیلی‌ها با مدل می‌آیند، ولی مادر طراحی مدل به آن‌ها پیشنهادهایی می‌دهیم تا هرچه بیشتر آن لباس به اندام آن‌ها بیاید. البته این را هم بگویم که خیلی‌ها مدل ژورنالی می‌خواهند، ولی پارچه آن پارچه مدل نیست و خوب درآوردن با پارچه‌ای دیگر که نزدیک به همان مدل باشد، مشکل است.»



لباس را به آرایشگاه رساندیم

گاهی خواهرم می‌گوید ببخشید که آرامش زندگی‌ات را برهم زدم، ولی من از کاری که شروع کردم لذت می‌برم. پیش از آن من یک زن خانه‌دار بودم که مسئولیت‌م دخترهایم بودند و مادام طبیعت گردی می‌کردم، ولی الان تقریباً اسیرکار شده‌ام و کمتر بیرون می‌زنم. به ویژه وقت‌هایی که لباس‌های فوری قبول می‌کنم. پیش آمده که دوشبانه روز نخواستیم تا لباسی را برسانم، ولی وقتی لباس را تن عروس می‌بینم خستگی از تنم می‌رود. یک دفعه که آن قدر کار عجله‌ای شده که ما از اینجا لباس را به آرایشگاه رساندیم تا عروس بپوشد. در هزینه‌ها سعی می‌کنم تا جایی که می‌توانم با عروس‌ها راه بیایم، ولی هزینه دوخت لباس عروس حداقل از ۸ میلیون تومان است. این هزینه با حساب متریکال داخلی کار است که خودم آن‌ها را تهیه می‌کنم. برای اینکه هزینه‌ها به حداقل برسد من همیشه به عروس‌هایم اندازه‌های دقیق برای خرید پارچه را می‌دهم که هزینه‌شان خیلی بالا نرود، ولی شما مدنظر بگیرید که حداقل به اندازه هزینه دوخت، هزینه پارچه هم باید بدهند. با وجود این هزینه‌ها هم دوخت لباس از خرید لباس به صرفه‌تر است، چون قیمت‌های مزونی خیلی بالاست. با تمام این هزینه‌ها من برایم رضایت عروس‌هایم و خوش‌حالی آن‌ها مهم است و چون هر کدام با واسطه معرفی می‌شوند به هر حال یک آشنایی با هم داریم که باعث می‌شود قلباً آرزوی خوشبختی آن‌ها را داشته باشیم.»

از دوخت لباس عروس واقعا لذت می‌برم

«باتلاش شبانه روزی به نتیجه رسیدم. چهار، پنج سالی فقط یاد گرفتم و دو سالی می‌شود که هر چه یاد گرفته‌ام، آموزش می‌دهم. حساست هم نمی‌کنم، هر چه را که می‌دانم و بلد هستم به بچه‌ها یاد می‌دهم. در این مدت مداوم کار کردم و نگذاشتم بین کار فاصله‌ای بیفتد. دوخت و دووز را دوست داشتم و از آن لذت می‌بردم، ولی وقتی وارد کار عروس شدم دیدم که خیاطی یعنی این! از دوخت لباس عروس واقعا لذت می‌بری و کلی روحیه می‌گیری. ترکیبی از هنر دست و ذهن و خلاقیت است که روی پارچه پیاده می‌شود تا روی تن عروس بنشیند و شبی خاص را برای او رقم بزند با کلی خاطره. خواهرم بود که من را در این مسیر هل داد و دخترم هم کمک کرد که یک صفحه مجازی راه انداختم. چون من راناناصدا می‌زداسم پیچ رانانادوخت گذاشتم. روش دوخت لباس عروس‌های من مولاژ است. در این روش لباس روی مانکن دوخته می‌شود، این مانکن دقیقاً سایز سفارش دهنده، تنظیم می‌شود. لباس‌های دیگر را به روش سیلور که همان الگوسازی است می‌دوزیم. اینکه می‌گویم می‌دوزیم به این دلیل است که مریم و مبینا هم کنار من هستند و در دوخت‌ها کمک می‌کنند. این طور هم نیست که سفارش زیاد قبول کنم. شاید در سال چهار یا پنج لباس عروس بیشتر قبول نکنم. مشتری‌هایم هم همه آشنا هستند یا با واسطه معرفی می‌شوند، هر مشتری را قبول نمی‌کنم از طرفی باید خودم او و سلیقه‌اش را بشناسم و از طرفی او هم باید من و کارم را بشناسد. یک نکته دیگر هم هست من چون همچنان احساس می‌کنم که خانواده به من نیاز دارد، در خانه کار می‌کنم و خوب منطقی است که غریبه‌ها را خانه راه ندهم. مشتری‌هایم حتماً باید با واسطه به من معرفی شوند. البته این را هم بگویم که یک بار مشتری غریبه قبول کردم و حسابی اذیت شدم. روی مدل دامن به نتیجه نمی‌رسید و چندبار مجبور شدیم پارچه را باز کنیم و در لباس عروس این کار به پارچه زیاد آسیب می‌زند. پارچه‌ای که قیمت بالایی دارد و کمیاب است. اتفاقاً یکی از سختی‌های کار ما هم همین است که باید پارچه را که گاهی کم است، آن قدر بالا و پایین کنیم که به کار برسد و از طرفی هم چون پارچه سفید است تمیز نگه داشتن آن واقعا سخت است. با لباسی تمیز، دست‌هایی تمیز و وسایلی تمیز باید سراغ آن برویم که یک وقت لکی بر ندارد.»

«گاهی خواهرم می‌گوید ببخشید که آرامش زندگی‌ات را برهم زدم، ولی من از کاری که شروع کردم لذت می‌برم. پیش از آن من یک زن خانه‌دار بودم که مسئولیت‌م دخترهایم بودند و مادام طبیعت گردی می‌کردم، ولی الان تقریباً اسیرکار شده‌ام.»

اگر گیر کردید با من

مبینا از شاگردان خانم رشیدی بود که الان دیگر در دوخت لباس‌های همکاری می‌کند و همراه است. او که در دانشگاه تربیت بدنی خوانده، ولی علاقه به دوخت لباس عروس اوراسمت خیاطی کشانده است. می‌گوید: مریم چون خیلی خوب همه چیز را آموزش می‌دهد، با عشق توضیح می‌دهد و حتی اگر بارها هم سؤال کنی و تکرار کند خسته نمی‌شود و خم به ابرو نمی‌آورد. من به پشتوانه او کار را شروع کردم. می‌گفت توشروع کن من کنارت هستم. اگر مشکلی داشتی کمک می‌کنم. عاشق کمک کردن و همیشه در دسترس است. دوست دارد چیزی را که خودش بلد است به بقیه هم یاد دهد. به ما همیشه می‌گوید شما سفارش‌ها را قبول کنید اگر گیر کردید چه حضوری و چه غیر حضوری من هستم و کمک می‌کنم. البته یک اخلاق ویژه دیگر هم دارند که برای آموزش‌ها هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند و بیشتر وقت‌ها آموزش‌ها رایگان است.

